

ارزیابی و نقد کیفیت کتاب *صرف و نحو عربی اثر عباس ماهیار* (بر اساس معیار ده گانه منصوریان)

عبدالرزاق رحمانی^۱، حانیه ظفرآبادی^۲

(دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۳، نوع مقاله: مطالعه موردی)

چکیده

با وجود تنوع و تکرار ابزارهای نوین آموزشی، کتاب درسی با ارزش ترین وسیله آموزشی در همه مقاطع تحصیلی به شمار می آید و در تحقق اهداف آموزشی نقش اساسی ایفا می کند. کتاب درسی دانشگاهی ابزاری است که مدرّسان به منظور آموزش دانشجویان به کار می گیرند. برای افزایش اثربخشی کتاب های درسی، نقد و ارزیابی آن ها با استفاده از معیارهای دقیق از جنبه های مختلف ضروری است. این پژوهش می کوشد تا کتاب *صرف و نحو عربی* (ماهیار، ۱۳۷۳) را که سازمان «سمت» برای دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی در نظر گرفته است، براساس صد ویژگی کتاب های دانشگاهی در ده مقوله: تخصص گرایی و هدفمندی موضوعی، توان نظری و دلالت های کاربردی، توان استنادی و ماهیت میان رشته ای، جامعیت و روزآمدی، صلاحیت و کارنامه پدید آورندگان، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام محتوایی و ساختاری، همخوانی با نظریه های یادگیری، ماهیت تعاملی و توان انگیزشی، ویژگی های فیزیکی و ظاهری، با روش تحلیل انتقادی به بررسی بپردازد. نتایج پژوهش بیانگر این است که مؤلف اثر مذکور نیمی از اصول ده گانه را در کتابش رعایت کرده و از نیمی دیگر (البته نه به طور کامل) غفلت ورزیده است؛ در نتیجه، بازنگری آن می تواند در رفع نواقص موجود در آن مؤثر باشد تا در چاپ جدید، مخاطب بتواند بیشترین بهره وری از کتاب را داشته باشد.

کلیدواژه ها: ویژگی کتاب های دانشگاهی، *صرف و نحو عربی*، عباس ماهیار، و اصول منصوریان.

۱. استادیار، مرکز مطالعات و تحقیقات هرمز، دانشگاه هرمزگان، هرمزگان، ایران

(نویسنده مسئول). (rahmani6038@hormozgan.ac.ir)

۲. دانشجوی دکترا، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Critical Evaluation of the Quality of the Book “Arabic Grammar” by Abbas Mahyar (Based on Mansourian’s Ten Criteria)

Abdolrazagh Rahmani¹, Hanieh Zafarabadi²

Received: 08/04/2020 - Accepted: 03/05/2021

Abstract

Despite the variety of new educational tools, textbooks are the most valuable educational tools at all levels and play a fundamental role in fulfilling educational objectives. University textbooks are the tools that teachers use to educate students and to increase the effectiveness of textbooks they need to be critically evaluated by using accurate criteria. The aim of this study is to critically evaluate the textbooks on “Arabic Grammar” published by SAMT Publications for undergraduate students of Persian language and literature, based on the 100 features of university books summarized in 10 categories including specialization and topic purposefulness, theoretical strength, and functional argumentation, documentary evidence and interdisciplinary nature, inclusiveness and being updated, qualifications and résumés of authors, writing and literary decency, coherent content, and structure, compatibility with learning theories, interactive and motivating quality, as well as physical and visible features. by the descriptive-analytical method. The results show that the author has observed half of the ten principles in his book and has neglected the other half (though not completely). Re-reviewing the book can be effective in eliminating its shortcomings so that in the new edition, the readers can benefit from it to a greater extent.

Keywords

Characteristics of academic books, Arabic grammar, Abbas Mahyar, and Mansourian principles

1. Assistant Professor, Hormoz Research Center, University of Hormozgan, Iran, (Corresponding Author) (rahmani6038@ghormozgan.ac.ir).
2. Ph. D. Student in Arabic Language and Literature, Shiraz University, Shiraz. Iran.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عناصر و عوامل تأثیرگذار در تعیین میزان موفقیت و شکست نظام‌های آموزش عالی، برنامه‌های درسی هستند که نقش غیر قابل انکاری در تحقق یافتن یا تحقق نیافتن اهداف و رسالت‌های آموزش عالی ایفا می‌نمایند (محمودی، ۱۳۹۱: ۷). هر برنامه درسی در آموزش عالی بایستی مطابق با واقعیت‌ها، نیازها و تحولات بوده و از جامعیت لازم نیز برخوردار باشد تا از طریق آن رشد قابلیت‌ها و مهارت‌ها در دانشجویان مورد توجه قرار گیرد (علوی لنگرودی، ۱۳۸۷: ۷).

در بیشتر مراکز آموزشی، مطالب و موضوع کتاب‌های درسی محور آموزش یادگیری رسمی را تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه ارزشیابی‌ها اغلب محدود به کتاب‌های درسی است، ارائه محتوای دقیق و سودمند، یکی از اساسی‌ترین موضوع‌های مطرح در آموزش است. از آنجا که دانش‌آموزان و دانشجویان عوامل اصلی پیشرفت جامعه آینده هستند، توجه به آموخته‌های آنان بسیار مهم است. همان‌گونه که می‌دانیم بازننگری، تجدیدنظر، و اصلاح برنامه و محتوای کتاب‌های درسی زمینه رشد در برنامه‌ریزی و به تبع آن رشد و پیشرفت تحصیلی فراهم می‌آورد (همانی و مرتضوی، ۱۳۷۹: ۳) به عبارت دیگر، لازمه رسیدن به چنین هدفی ارزشیابی است. ارزشیابی مرکز فرایند آموزش و هدف آن بهبود برنامه آموزشی است و این امر، ارزشیابی را به عملیاتی مستمر تبدیل کرده است. روشن است که بدون ارزشیابی نظام‌مند نمی‌توان درباره مفید بودن برنامه‌های آموزشی قضاوت کرد. برنامه‌های آموزشی تهیه می‌شوند؛ آزموده می‌شوند؛ اصلاح می‌شوند؛ مجدداً آزموده می‌شوند و سرانجام برای اجرا در سطحی وسیع پذیرفته می‌شوند. از طریق ارزشیابی دقیق برنامه‌های آموزشی نقاط قوت و ضعف این برنامه‌ها آشکار می‌گردد و برنامه‌ریزان و مسئولان اجرایی می‌توانند کاستی‌ها و نارسایی‌ها را رفع و نقاط قوت را تقویت نمایند. به بیان دیگر، ارزشیابی عبارت است از فرایند تعیین کردن، به دست آوردن و فراهم ساختن اطلاعات توصیفی و قضاوتی در مورد ارزش و مطلوبیت اهداف، طرح‌ها، اجرا و نتایج به منظور هدایت تصمیم‌گیری، خدمت به نیازهای پاسخگویی و درک بیشتر از پدیده‌های مورد بررسی است (رمضانی، ۱۳۹۸: ۱۲۳-۱۴۲).

تهیه و تدوین مواد و سرفصل‌های کتاب‌های درسی در بیشتر دانشگاه‌های کشور ایران بر عهده دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی است؛ هرچند در کشورهای دیگر هر دانشگاهی به صورت مستقل وظیفه

تعریف این سرفصل‌ها را به تناسب هر رشته بر عهده دارد، ولی در کل باید در نظر داشت که تهیه مواد درسی دانشگاه‌ها و نگارش کتب در این راستا براساس یک سری اصول و چارچوب‌های خاص اتفاق می‌افتد که از سوی استادان متخصص در این زمینه صورت می‌گیرد. این اصول می‌توانند همچون سنگ محکمی در شناسایی کتب خوب و مفید از کتب بی‌فایده و غیر مفید دانشگاهی عمل کنند.

تاکنون ویژگی‌های زیادی برای کتب دانشگاهی تعریف شده است؛ از جمله، صد شاخصی که در ده مقوله به صورت خلاصه وجود دارد که بسیاری از کتب دانشگاهی را می‌توان براساس آن ارزیابی کرد. تحول در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها از دیرباز یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی بوده است و در همین راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) را در سال ۱۳۶۳ تأسیس کرد. کتاب صرف و نحو عربی اثر دکتر عباس ماهیار از جمله کتبی است که سازمان «سمت» آن را در ۱۳۷۳ با هدف چیرگی دانشجویان بر مهارت‌های زبانی در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات فارسی به عنوان منبع اصلی تدوین کرد و به چاپ رساند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که علی‌رغم چاپ کتاب صرف و نحو عربی با مشخصاتی که اشاره شد، هنوز اطلاع چندانی در خصوص کیفیت و کارآمدی و اثربخشی آن وجود ندارد؛ لذا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که کدام یک از شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی کتب‌های درسی دانشگاهی در اثر مورد بررسی رعایت شده است؟

هدف و ضرورت پژوهش

هر برنامه درسی در آموزش عالی بایستی مطابق با واقعیت‌ها، نیازها و تحولات بوده و از جامعیت لازم نیز برخوردار باشد تا از طریق آن رشد قابلیت‌ها و مهارت‌ها در دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. از آنجا که در نظام‌های آموزشی متمرکز، کتاب درسی از اصلی‌ترین ارکان یادگیری و محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، لذا در تدوین این کتب، معیارها، اصول و ضوابطی باید لحاظ شود و به منظور اعتبار بخشی به آن‌ها، شاخص‌هایی باید در نظر گرفته شود تا کتاب مشتمل بر مطالبی باشد که متناسب با سن و سطح علمی فراگیران بوده، درنهایت باعث ایجاد رغبت و انگیزه در آنان شود (رحمانی و ایمانی‌فر، ۱۳۹۷: ۱۴۴). پس برای رسیدن به وضعیت مطلوب در زمینه تدوین کتب درسی دانشگاهی کارآمد و مؤثر، باید یک اصل و چارچوب معیار قرار گیرد و

براساس آن کتاب‌ها تدوین شود. از آنجا که به هر حال خطا و اشتباه از هر دست به نوشته‌های بشر راه می‌یابد، یادکرد کاستی‌ها و نادرستی‌های یک اثر مکتوب هم به همان اندازه گزیرناپذیر است. لذا پژوهش حاضر ضرورت ایجاب می‌کند تا با معرفی نقاط ضعف و قوت این اثر، گامی هرچند کوتاه در بهینه‌سازی تدوین کتب دستور زبان عربی پیش روی خوانندگان محترم قرار دهد. روشن است ذکر خطاهای یک اثر علمی، هیچ دلیلی بر کم‌ارزشی آن اثر نیست.

اهداف پژوهش

هدف پژوهش حاضر ارزیابی و نقد کیفیت کتاب *صرف و نحو عربی* (ماهیار، ۱۳۷۳) از لحاظ معیار ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) است، لذا این پژوهش می‌کوشد با در نظر گرفتن دو هدف کلی و جزئی به جنبه‌های قوت و ضعف این اثر که بیشتر مخاطبان آن دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی‌اند بپردازد.

هدف اصلی: بررسی شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی، در کتاب *صرف و نحو عربی*، اثر عباس ماهیار (۱۳۷۳).

اهداف فرعی: تحدید تخصص‌گرایی و هدفمندی کتاب، تشخیص توان نظری و دلالت‌های کاربردی، توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای، جامعیت و روزآمدی، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام و یکپارچگی در طرز بیان مطالب، همخوانی با نظریه‌های یادگیری، تحدید شیوه برای برقراری ارتباط با مخاطب، و همچنین بررسی ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری کتاب با معیار ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲).

سؤال پژوهش

با توجه به اهداف، پژوهش حاضر در پی بررسی سؤال‌های اصلی و فرعی زیر بوده است.
سؤال اصلی: کدام یک از شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی، در کتاب *صرف و نحو عربی* اثر عباس ماهیار رعایت شده است؟
سؤال فرعی:

- آیا مؤلف درخصوص تخصص‌گرایی و هدفمندی موفق عمل نموده است؟
- توان نظری و دلالت‌های کاربردی در کتاب چگونه است؟
- توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای کتاب چگونه است؟

- از نظر جامعیت و روزآمدی کتاب چگونه عمل کرده است؟
- صلاحیت و کارنامه پدید آورنده چگونه بوده است؟
- آیا پاکیزگی نگارشی و ادبی در کتاب رعایت شده است؟
- آیا کتاب از انسجام و یکپارچگی در طرز بیان مطالب (محتوایی و ساختاری) برخوردار است؟
- همخوانی کتاب با نظریه‌های یادگیری چگونه است؟
- آیا مؤلف از شیوه‌ای برای برقراری ارتباط با مخاطب (ماهیت تعاملی و توان انگیزشی) استفاده کرده است؟
- ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری کتاب چگونه است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نقد به خصوص نقد کتب و متون دانشگاهی پلی است که می‌تواند گذشته نامطلوب را به آینده‌ای با وضعیت بهتر سوق دهد. تردیدی نیست که در زمینه نقد کتب آموزشی زبان عربی پژوهش‌های زیادی تاکنون صورت گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اشکوری (۱۳۸۹)، با هدف نقد، به بررسی و اصلاح کتاب ترجمه و شرح مبادی العربیة: جلد چهارم، قسمت صرف پرداخته و در این زمینه تلاش نموده است تا نقاط قوت و ضعف آن را به عنوان یکی از منابع مهم تدریس دانشگاهی و حوزوی در شاخه صرف عربی بیان کند و با بررسی دقیق در متن کتاب به اشتباهات مربوط به مؤلف و همچنین اشتباهات چاپی همراه با ذکر دلایل آن پردازد. این پژوهشگر دریافته که در ویرایش تمرین‌های کتاب، برخی از تمرین‌های مفید و بی‌مشکل به همراه دیگر تمرین‌ها حذف شده و بهتر است این تمرین‌ها دوباره در کتاب گنجانده شود؛ همچنین برای برخی از مباحث، تمرین مجزا در نظر گرفته نشده است، مانند مباحث اعلال و بهتر است برای هر نوع اعلال، تمرین‌های جداگانه‌ای آورده شود.

- دهقانان و جمالی (۱۳۹۲)، به بررسی و نقد کتاب ترجمه و شرح مبادی العربیة: جلد چهارم، قسمت نحو (شرح سیدعلی حسینی) با روش توصیفی تحلیلی پرداخته‌اند و با این رویکرد ابتدا به صورت کلی در سه دسته اشتباهات: علمی، حروف چینی و ویرایشی، و نگارشی را مطرح و سپس هر دسته به تفکیک بررسی نموده‌اند. نیز با توجه به تقسیم‌بندی

سه گانه از اشتباهات موجود در این اثر به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب نیازمند بازبینی، اصلاح، و استفاده از نظریات ویراستاری علمی ادبی در ویرایش و بازبینی متن است. همچنین توجه نکردن به نکات نگارشی و اسلوب انشایی در ترجمه اثر، کیفیت و در نتیجه یادگیری نکات علمی را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهد.

- نعمتی قزوینی و رخشنده‌نیا (۱۳۹۱)، به بررسی انتقادی کتاب *صرف ساده* پرداخته‌اند، و نتیجه کارشان بیانگر این است که این کتاب، به‌رغم برخورداری از ویژگی‌های مثبت و ارزش علمی، در برخی زمینه‌ها همچون کاربردی کردن تمرین‌ها و تعدیل آن‌ها، نگارش صحیح رسم‌الخط عربی و رعایت اصول روش علمی پژوهش از قبیل مقدمه‌نویسی، ارجاع درست مطالب و ارائه فهرست منابع و نیز رفع ابهام از برخی مباحث، که یکی از ویژگی‌های اصلی متون علمی است، نیازمند اصلاح و بازنگری است.

- کیانی (۱۳۹۱)، به بررسی و نقد کتاب *قواعد کاربردی زبان عربی* پرداخته و به ویژگی‌ها و کاستی‌های نگارشی و نگارشی این اثر اشاره نموده است؛ و به این نتیجه رسیده که این کتاب از ویژگی‌هایی مانند: انسجام مطالب، رعایت نظم منطقی، روزآمد بودن و نوآوری، جامعیت در بیان قواعد کاربردی زبان عربی، روان و رسا بودن عبارات و مطالب کتاب، آموزش قواعد به صورت غیر مستقیم برخوردار است؛ و از جمله ضعف‌های آن نداشتن رویه ثابت در نقطه‌گذاری «یاء» و تاء و همچنین در علائم همزه وصل و قطع، چینش نمونه‌ها، تمرین‌ها و تطبیق‌ها و اشکالات اعراب‌گذاری و جابه‌جایی حرکات و نبود رویه مناسب در ارائه اسناد و ارجاعات است که از اعتبار علمی کتاب می‌کاهد. کیانی در پایان پیشنهاد نموده تا نویسندگان کتاب مورد نظر، به مطالبی که به مثابه کاستی در آن است توجه و پس از تصحیح و برجسته کردن جنبه کاربردی برخی درس‌های آن به چاپ مجدد اثر اقدام کنند.

- سجادی (۱۳۹۵)، به بررسی و نقد کتاب *النحو العصری* با هدف دستیابی به سطح علمی کتاب، شیوه‌های آموزشی آن و میزان موفقیت نویسنده در شرح، توضیح و آموزش قواعد زبان عربی پرداخته است. پژوهشگر دریافته است که کتاب *النحو العصری* از جامعیتی نسبی برخوردار است، ولی نداشتن مواردی چون فهرست منابع، آیات و احادیث از نقاط ضعف آن به شمار می‌آید. شیوه آموزشی این اثر نسبتاً خوب است، ولی از آنجا که برای آموزش قواعد صرف و نحو عربی به تمرین و تکرار نیاز هست؛ فقدان تمرین در این کتاب از نقاط ضعف آن به شمار می‌آید. نیز مباحث مطرح شده در این کتاب سطحی و

ساده‌اند، بنابراین می‌توان گفت این کتاب فقط برای سطوح متوسط مناسب است و با توجه به برخی اشکالات علمی نمی‌تواند به عنوان یک منبع صرف و نحو مطرح باشد یا کتابی تخصصی به شمار آید.

- ابن الرسول و صفیان (۱۳۹۶)، با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و نقد بخش صرف کتاب صرف و نحو عربی در چندین محور پرداخته‌اند. انطباق مطالب کتاب با سرفصل مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، درستی یا نادرستی تعاریف و مثال‌های اصطلاحات دستوری، توجه یا بی‌توجهی به اهمیت، ضرورت و کاربرد قواعد دستوری ارائه‌شده برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی، تصحیح اعراب و حرکت‌گذاری عبارات متن و تمرین‌ها و سرانجام اغلاط چاپی غیر قابل چشم‌پوشی از محورهای این بررسی نقادانه به شمار می‌آید. از مهم‌ترین دستاوردهای مثبت پژوهش، مطابقت داشتن بخش صرف کتاب با سرفصل مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی درسی، بیان گسترده قواعد عربی در بیشتر مباحث، ذکر تمرین و نمونه حل‌شده آن در پایان هر بحث، و از کاستی‌های آن نادرستی برخی از تعاریف، قواعد و مثال‌های دستوری، علائم نگارشی، حرکت‌گذاری و اعراب است که به اصلاح و بازنگری آن پیشنهاد داده‌اند.

روش پژوهش

با نگاهی به پژوهش‌های پیشین در می‌یابیم که تعداد چشمگیری از پژوهش‌ها به منظور نقد و ارزیابی کتاب قواعد عربی دانشگاهی صورت گرفته است، اما نقد و بررسی‌هایی که تاکنون درباره کتاب‌های قواعد صورت گرفته است، ابتدا با نگاهی کلی، نقاط قوت و ضعف آن را بیان کرده‌اند و سپس با استناد به آثار موجود در این زمینه فهرستی از اشتباهات نحوی و ویرایشی اثر را ارائه داده‌اند و به اصلاح و رفع آن‌ها پرداخته‌اند. اما نکته جدید در پژوهش حاضر این است که محتوای قواعد عربی براساس شاخص‌های ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲)، با نگاهی جامع به صد نشانگر برای کتاب‌های دانشگاهی اثربخش، بررسی شده است؛ امید است با تشخیص معایب و محاسن این کتاب (براساس تطبیق یا عدم تطبیق آن‌ها با اصول ده‌گانه) معایب آن اصلاح و محاسن آن تقویت گردد.

پژوهش حاضر از نوع تحلیل انتقادی براساس معیارهای از پیش تعیین‌شده منصوریان (۱۳۹۲) است که با توجه به جامعیت و بدیع بودن این معیارها (تخصص‌گرایی و هدفمندی موضوعی، توان نظری و دلالت‌های کاربردی، توان استنادی و ماهیت

میان رشته‌ای، جامعیت و روزآمدی، صلاحیت و کارنامه پدیدآورندگان، پاکیزگی نگارشی و ادبی، انسجام محتوایی و ساختاری، همخوانی با نظریه‌های یادگیری، ماهیت تعاملی و توان انگیزشی، ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری) می‌کوشد یکی از کتاب‌های درسی تهیه شده برای دانشجویان کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی را ارزیابی و نقد کند.

شاخص‌های ده‌گانه منصوریان

منصوریان (۱۳۹۲: ۱-۱۷) با نگاهی جامع به صد نشانگر برای کتاب‌های دانشگاهی اثربخش و کارآمد اشاره نموده، و این ویژگی‌ها را در ده عامل به شرح ذیل طبقه‌بندی کرده است.

۱. تخصص‌گرایی: بدین معنا که کتاب در یک حوزه موضوعی مشخص دارای درجه‌ای از بنیان علمی و سرشت پژوهشی باشد و هدفمندی نیز دلالت بر این اصل دارد که یک کتاب دانشگاهی باید هدفی صریح و روشن را دنبال کند.

۲. توان نظری و دلالت‌های کاربردی: منظور آن است که محتوای کتاب تا چه اندازه بر پشتوانه نظری استوار متکی است و تا چه اندازه میان نظریه و عمل پیوند برقرار کرده است؛ سهم رویکرد عملی به چه میزان است.

۳. توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای: هر کتاب مجموعه‌ای از آثار پیشین است؛ به عبارتی هر اثر تازه در پیوند با آثار پیشین و رشته‌های مختلف است که باید بازتابی از آن در متن کتاب دیده شود.

۴. جامعیت و روزآمدی: منظور جامعیت نسبی است؛ این گونه که کتاب مورد نظر بیشترین پوشش ممکن را در پرداختن به مباحث و منابع مرتبط با محور بحث خود داشته باشد و منظور از روزآمدی همراهی نویسنده با پیشرفت‌های جدید یک رشته است.

۵. صلاحیت و کارنامه پدیدآورندگان: منظور توان نویسنده و کارنامه آموزشی و پژوهشی اوست. مؤلف باید در زمینه موضوع اثر مورد نظر دارای تخصص و تجربه باشد و به بیانی ساده‌تر، از صلاحیت علمی لازم در این زمینه بهره‌مند باشد.

۶. پاکیزگی نگارشی و ادبی: منظور شفافیت، سادگی و سلاست نثری است که برای انتقال مفاهیم انتخاب شده است. شیوه نگارش یک کتاب دانشگاهی کارآمد باید به گونه‌ای باشد که خواننده بدون کمترین ابهام به اصل مطلب دست یابد.

۷. انسجام محتوایی و ساختاری: منظور از انسجام، پیوند منطقی میان اجزای خرد و کلان یک متن است، به نحوی که خواننده بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند. و منظور از یکدستی یا سازگاری هم اشاره به یکسانی در بیان مفاهیم و شکل ظاهری کلمات است.

۸. همخوانی با نظریه‌های یادگیری: از آنجا که کتاب دانشگاهی ماهیتی آموزشی دارد و قرار است دانش، تخصص یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد یا او را به پیگیری موضوع تشویق کند، بنابراین لحن و شیوه نویسنده باید تا آنجا که ممکن است با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های عملی این نظریه‌ها همخوانی داشته باشد.

۹. ماهیت تعاملی و توان انگیزشی: در واقع منظور ثمربخشی نتیجه گفت و گو و تعامل میان ذهن نویسنده و خواننده است و اینکه تا چه میزان کتاب توانایی ایجاد انگیزه در دانشجویان را دارد.

۱۰. ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری: منظور ویژگی‌های چاپی و ظاهری کتاب از جمله صفحه‌آرایی، طرح روی جلد، تصاویر و توان فنی ناشر در چاپ و انتشار با کیفیت این تصاویر و غیره است.

معرفی کلی کتاب مورد پژوهش

با گسترش اسلام در میان اقوام و ملل مختلف، زبان عربی از ملکیت قوم عرب خارج شد و متعلق به همه ملل و اقوامی گشت که اسلام آورده بودند و برای فهم قرآن و درک اسلام ناچار به آموختن زبان عربی بودند. در این بین ایرانیان مسلمان در تدوین دستور زبان عربی و تألیف کتب علمی به آن زبان، نقش بسزایی داشته‌اند (رحمانی و ایمانی فر، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی بر پایه تجارب سی و پنج ساله تدریس عربی مؤلف در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها نگارش شده است و تلاش می‌کند تا مفاهیم صرف و نحو را به شیوه‌ای روان در دو بخش اصلی صرف و نحو بیان کند. در بخش نخست به طور مبسوط در مورد فعل، اسم و حرف توضیح داده و در بخش دوم نگرشی جامع بر ساختار کلام داشته است. در پایان هر مبحث نمونه تمرین‌های فراوانی را از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلام امیرالمؤمنین (ع) و شاعران صاحب نام عرب نقل کرده است تا به درک صحیح مطلب کمک کند.

بدنه اصلی کتاب

در زمینه کارآمدی و اثر بخشی کتب به خصوص کتب درسی، معیارهای بسیاری تعریف و تعیین شده است. باید در نظر داشت که این مفاهیم از منظر چه کسانی قرار است تعریف شوند، نویسنده مؤلف یا خواننده کتاب؟ متأسفانه نگاه برخی از مؤلفان کتب درسی به بازار نشر، نگاهی مادی و سودجویانه است و کارآمدی را همان پول سازی و پرفروشی یک کتاب می دانند و اثربخشی را فدای این پول پرستی خود می کنند. اما اگر موشکافانه به مفهوم کارآمدی و اثربخشی نگاه شود، تعاریفی سازنده نیز از سوی برخی افراد و سازمان ها ارائه شده که هر کدام به نوبه خود سهمی بسزا در پیشبرد و بهبود فضای آموزشی کشور دارند.

کتاب یک فرایند دوسویه است که یک سر آن به نویسنده وصل است و سر دیگر آن به مخاطب. این فرایند در واقع به نوعی ریسمان شبیه است که باید چنان محکم باشد که بتواند مخاطب و مؤلف را در کنار هم نگاه دارد. اگر مؤلف دور از مخاطب باشد، نیازها و علائق او را نخواهد شناخت و تنها با برداشت ذهنی خود اقدام به نگارش کتب درسی می کند. استحکام این ریسمان در واقع همان اصولی است که کارآمدی کتاب را تضمین و پیام اصلی نگارنده از نگارش کتاب را به روشنی تبیین می کنند.

منظور از اثر بخشی نیز بازتابی است که هر کتاب بر جامعه مخاطبان خود دارد، زیرا سرنوشت هر کتاب را خوانندگان آن تعیین می کنند. بنابراین کتابی که بتواند بازتابی مثبت بر جامعه مخاطب داشته باشد و تحولی در اندیشه آن ها ایجاد کند، اثر بخش خواهد بود (منصوریان، ۱۳۹۲: ۳). برای اینکه مشخص شود آیا کتاب صرف و نحو عربی (ماهیار، ۱۳۷۳) کتابی اثربخش است یا نه، نویسندگان مقاله به تطبیق اصول ده گانه منصوریان بر آن، در موارد ذیل به نقد آن اثر پرداخته اند.

۱. تخصص گرایی و هدفمندی موضوعی. آنچه کتب درسی را از دیگر کتب جدا می کند مقوله تخصصی بودن و هدفمندی است؛ تخصصی بودن به معنای محور قرار دادن یک موضوع خاص، و هدفمندی نیز دلالت بر این اصل دارد که یک کتاب دانشگاهی باید هدفی صریح و روشن را دنبال کند.

در شرح و بسط معیار سنجش تخصص گرایی و هدفمندی، سازمان «سمت» هدف از نشر کتاب مورد نظر را تأمین منبع درس «صرف و نحو زبان عربی» می داند که با نگاهی به فهرست مطالب معلوم می گردد کتاب در سه فصل (یعنی کلیات که مقدمه ای است بر مطالب اصلی و نیز فصل صرف و نحو) این هدف را دنبال کرده و دامنه موضوعی کتاب

درست و روشمند ترسیم شده است. ولی بسیاری از کتاب‌های صرفی نحوی نیز با همین گونه فصل‌بندی در اختیار مخاطبان قرار گرفته‌اند که باید گفت کتاب پیش رو با آثار مشابه در این زمینه تفاوت چندانی ندارد و ابتکاری در آن صورت نگرفته است. محتوای کتاب روشنی تعلق آن به حوزه تخصصی قواعد عربی را نشان می‌دهد. نویسنده در بخش نحو، از پرداختن فعل در بخشی جداگانه یا حتی قبل و یا بعد مبحث اسم خودداری کرده و از این لحاظ در پوشش مطالب تخصصی کتاب موفق عمل نکرده است و نیازهای اصلی مخاطبان کتاب را به طور کامل در نظر نگرفته است.

۲. توان نظری و دلالت‌های کاربردی. این ویژگی بنا به کتب مختلف در حوزه‌های متفاوت تفسیر و تعریف می‌شود. برای مثال، اگر کتابی در زمینه فلسفه یا اخلاق باشد، مسلماً محور اصلی مطالب آن حول ذکر آراء و نظریات فیلسوفان و شرح و تفسیر آنان می‌گردد. ولی اگر کتابی در زمینه آموزش قواعد زبان نگاشته شود، وضع فرق می‌کند و باید به شیوه‌های یادگیری دقت کرد.

برای مثال، یکی از این نمونه‌ها، شیوه پرسش محور است. این رویکرد بر نقش محوری و کلیدی پرسش و پرسشگری در فرایند آموزش تأکید دارد و مهارت در طرح و پاسخگویی به پرسش را مبنای اصلی یادگیری می‌داند (منصوریان، ۱۳۹۲: ۵). رویکردی که مؤلف در یک کتاب درسی دارد با توجه به نوع مخاطبان و حوزه تخصصی‌شان باید متفاوت باشد، این دقیقاً همان مسئله‌ای است که کتاب را کاربردی‌تر می‌سازد. با توجه به هدفی که «سمت» از نگارش این کتاب (ماهیار، ۱۳۹۲) بیان داشته، یعنی آموزش صرف و نحو عربی به دانشجویان کارشناسی ادبیات فارسی است؛ بنابراین، مؤلف بر آن نبوده که در باب تاریخ و یا فلسفه قواعد عربی بحث کند، بلکه تمرکزش بر آموزش صرف و نحو به دانشجویان ادبیات فارسی بوده است.

پس، به طور طبیعی، به همان میزان که مبنای نظری موجود در این موضوع در پیدایش کتاب مذکور سهمی نداشته است، دلالت‌های کاربردی مطالب مؤلف، مورد توجه قرار گرفته و او پس از پایان هر بحث تمرین‌های مختصری را از آیات قرآنی و احادیث نبوی و ائمه اطهار (ع) و اشعار شاعران صاحب نام عرب را نقل کرده است؛ نیز در قسمت نمونه، بخشی از سؤال‌های وارد را حل کرده است. تمرین‌های کتاب، حاصل توجه مؤلف به دلالت‌های کاربردی در قواعد عربی است، اما این مثال‌ها کافی نیست و در بسیاری از موارد، درس‌نامه‌ها طولانی است؛ اما تمرین در حد چند بیت بیشتر نیست.

۳. توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای. هر دانشی بر پایه دانش‌های دیگر بنا شده است. بدون کمک دیگر اندیشه‌ها نمی‌توان اندیشید و بدون اشاره به نوشته‌های دیگران نیز نمی‌توان نوشت. منصوریان (۱۳۹۲: ۷) نیز در این زمینه می‌نویسد: «متون علمی نیز بر همین اساس همچون شبکه‌ای از آثار به هم پیوسته است که هر یک ماهیت و اصالت خود را در پیوندی که با آثار دیگر دارد می‌سازد. هیچ مقاله یا کتابی نمی‌تواند در فضایی خالی، ناگهان تولید شود و نویسنده نیز تمامیت آن را یکسره متعلق به خود بداند».

مسلمان مؤلف در نگارش کتاب حاضر از منابع پیشین در این موضوع بهره جسته است. از زمان نزول قرآن تاکنون، قاریان و مفسران و عالمان در قرائت و تفسیر و توضیح آن آثار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشتند. پیش‌نیاز همه این علوم نخست آموزش صرف و نحو است. دانشمندان قرآنی در وهله اول صرف و نحو فرا گرفته‌اند و سپس توانسته‌اند که علوم قرآن را درک کنند. در بسیاری از کتاب‌های ادبی ما - که به عنوان موارد فرهنگی که از پیشینیان به ما رسیده است - از آیات مبارک قرآنی و احادیث هدایت بخش نبوی و اخبار ائمه علیه‌السلام و آثار صحابه و کلام بزرگان متصوفه و امثال سائره و اشعار شاعران بزرگ انباشته است، که فهم آن‌ها نیازمند یادگیری قواعد صرف و نحو عربی است (ماهیار، ۱۳۷۳: ۲).

عباس ماهیار (۱۳۷۳) در کتاب *صرف و نحو عربی*، از آثار معتبر و مرتبط پیشین استفاده کرده و به آثار هسته و پایه، مانند: *البهجة المرضیه فی شرح الألفیه* تألیف سیوطی (۱۴۰۸ ه.ق) و *شرح ابن عقیل بر ألفیه ابن مالک* (۱۳۶۷) استناد کرده، اما آن‌ها را مورد تحلیل و انتقاد قرار نداده است؛ گرچه فهرستی دقیق و منظم از منابع مورد استفاده را در پایان کتابش ارائه داده است. او در استفاده از آثار دیگران امانت‌دار بوده است. برای مثال، برای نصب مستثنی، هنگامی که بر مستثنی منه مقدم شود، به مثالی مانند *فَمَالِي إِلاَّ آلَ أَحْمَدَ شَيْعَةً وَمَالِي إِلاَّ مَشْعَبُ الْحَقِّ مَشْعَبٌ* (ص ۱۶۷) - متعلق به کمیت بن زید اسدی - به جلد یک از صفحه ۶۰۱ کتاب *شرح ابن عقیل* ... اشاره کرده که خود نمونه‌ای از امانت‌داری است.

وی از نویسندگانی است که به جای ارجاع درون‌متنی (APA)، از شیوه ارجاع پاورقی استفاده نموده است، و ارجاعات به کار برده صحیح و درست است، و جایی که نیاز به ترجمه یا شرح بوده، نویسنده در پاورقی آن را توضیح داده است و برای آشنایی بیشتر خواننده به منبع آن ارجاع داده است؛ برای مثال، در صفحه ۱۶۴ مطلبی از دیوان امام علی (ع) بیان نموده و در پاورقی آن را ترجمه کرده و سپس به دیوان ارجاع داده است.

مؤلف به آراء موافق و مخالف دیدگاه خود اشاره نکرده است و دلیل این اقدام ارائه منبعی منسجم از قواعد عربی به دانشجویان ادبیات بوده تا بدون سردرگم شدن در آراء مخالف و موافق به یک درک کامل از صرف و نحو برسند. این کتاب می تواند مورد استفاده دانشجویان کارشناسی الهیات و حقوق نیز قرار گیرد؛ زیرا از منابع علمی همجوار مثل قرآن و حدیث در توضیح مسائل کتاب استفاده شده است.

۴. جامعیت و روزآمدی موضوعی و محتوایی. منظور از روزآمدی، همگامی مؤلف و کتابش با آخرین پیشرفت ها و تغییراتی است که در دانش مورد نظر رخ داده و آن تغییرات در اثر چاپ شده اعمال شده است. تعریف روزآمدی بنا به علوم مختلف، متفاوت است. در کتاب های آموزش قواعد که صرف و نحو عربی (ماهیار، ۱۳۷۳) نیز از همین دسته است، روزآمدی یعنی استفاده از جدیدترین روش های روز در ارتقای کیفیت آموزش قواعد به دانشجویان.

در یک نگاه کلی به کتاب پیش رو مشاهده می شود که در سال ۱۳۷۳ اولین نسخه کتاب مذکور به چاپ رسیده و در سال ۱۳۹۵ نیز به چاپ پانزدهم رسیده است؛ اما بعد از مقایسه چاپ اول و پانزدهم، با وجود گذشت ۲۲ سال، چاپ جدید هیچ تفاوتی با چاپ اول ندارد و فقط رنگ جلد تغییر کرده است. دانش بشر در رشته های مختلف دائماً در حال افزایش و تغییر است. از این کتاب درسی باید تازه ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را در برداشته باشد و مطالب آن هرچند یک بار مورد تجدید نظر قرار گیرد و به روز شود (رضی، ۱۳۸۸: ۲۱). بر این اساس کتاب صرف و نحو عربی روزآمد نیست. اما در مورد جامعیت توقع بر این است که کتاب تمام مباحث و مطالب مرتبط با موضوع و محور کتاب را پوشش دهد. منظور از جامعیت مباحث یک کتاب پرداختن آن به وجوه مختلف موضوع است. اما بدیهی است که تحقق این امر به صورت کامل به دلیل محدودیت صفحات یک کتاب و نیز اهداف آموزشی ممکن نیست. با توجه به اهداف کلی و اهداف ویژه است که سر فصل های هر درس سنجیده می شود و بر این اساس می توان گفت که کتاب پیش رو، فاقد جامعیت کافی در حوزه موضوعی خود است و مؤلف در پوشش وجوه مختلف موضوعی موفق نبوده است. هرچند مؤلف (ماهیار، ۱۳۷۳) با کتب هسته و به تبع آن مؤلفان هسته رشته عربی آشنا بود و به آثارشان در کتاب خود اشاراتی داشت، اما در مقایسه با آثار مشابه در این زمینه موضوعی، اثر حاضر گامی فراتر نرفته و این آرایش مطالب و فصول در کتبی مثل مبادی العربیه نیز قابل مشاهده است.

مؤلف *صرف و نحو عربی* (ماهیار، ۱۳۷۳) با توجه به تعداد دفعات چاپ، از منابع جدید و روزآمد عربی بهره نبرده است و حتی اگر در نظر گرفته شود که او فصول کتاب را براساس نیازهای یک دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی تدوین کرده، ولی در بخش تمرین‌ها می‌توانست از مثال‌های بیشتری استفاده کند؛ همان‌طور که خود در مقدمه کتابش، فراگیری گام به گام را با تمرین‌های متوالی قابل تحقق و تمرین و تکرار را پایه و اساس فراگیری دانسته است.

۵. *صلاحیت و کارنامه پدیدآورنده*. اینکه تخصص مؤلف چیست و آیا قبل از اثر مورد نظر نیز فعالیتی در این زمینه داشته یا نه، می‌تواند در موفقیت کتابی که منتشر می‌کند، مؤثر باشد. کارنامه آموزشی و پژوهشی نویسنده عاملی مؤثر در تعیین کیفیت کتاب است. از دیگر عوامل تعیین‌کننده در بالاترین مطلوبیت یک کتاب می‌توان به نقش ناشر اشاره کرد. ناشران در واقع به عنوان مشاوران نویسندگان‌اند و توصیه‌های آن‌ها می‌تواند در طی نگارش و ویرایش کتاب به بهتر شدن نتیجه کمک کند.

با نگاهی به آثار مکتوب تحقیقی و پژوهشی دکتر عباس ماهیار، قبل از *صرف و نحو عربی* (ماهیار، ۱۳۷۳)، به کتاب *صرف و نحو برای دانشجو* (ماهیار، ۱۳۶۲) برمی‌خوریم؛ بدین معنا که اگرچه تمرکز مؤلف، در این اثر، بر استاد خاقانی‌شناس دانشگاه تهران، بر گره‌گشایی از آثار خاقانی شاعر پیچیده‌گوست، اما در کارنامه خود کتبی در زمینه قواعد عربی دارد و می‌توان گفت که او در این زمینه کارشناس و متخصص است و پیش از این کتاب، آثار مشابهی در حوزه قواعد *صرف و نحو* داشته، کارنامه‌اش در حد مطلوبی با موضوع کتاب مورد بررسی همخوانی دارد. علاوه بر این همکاری او با سازمان «سمت» به عنوان موفق‌ترین ناشر کتاب‌های درسی دانشگاهی نیز نقطه مثبت دیگر کار اوست.

با توجه به اینکه ماهیار بعد از کتاب *صرف و نحو عربی*، کتاب *صرف و نحو ۱ و ۲* (۱۳۹۶) را تألیف کرده، می‌توان به این نتیجه رسید که او از این حوزه دور نماند و به فعالیت خود ادامه داد. به همین خاطر و با وجود داشتن سه کتاب مذکور در حوزه آموزش زبان و قواعد عربی، می‌توان گفت که او صاحب تجربه عملی و علمی در موضوع مورد نظر بوده و بر پایه تجارب ۳۵ ساله‌اش در تدریس عربی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها کتاب *صرف و نحو عربی* را تدوین کرده است.

۶. *پاکیزگی نگارشی و ادبی*. «بی‌تردید بخش عمده‌ای از موفقیت هر اثر مدیون شفافیت، سادگی و سلامت نثری است که برای انتقال مفاهیم آن انتخاب شده است. نشر

یک کتاب کارآمد و اثربخش باید خواننده را به مطالعه ترغیب کند و با کمترین واژگان ممکن این آگاهی را به او برساند، نه اینکه با پیچیدگی‌های غیر ضروری مخاطب را از خواندن پشیمان سازد و ذهنش را در ابهام و سردرگمی فروبرد» (منصوریان، ۱۳۹۲: ۱۱).

با توجه به حوزه موضوعی کتاب مورد پژوهش که همانا آموزش قواعد زبان عربی به دانشجویان کارشناسی ادبیات است، اثر مؤلف حتماً باید از هرگونه غموض و صناعات لفظی به دور باشد و در آن از به کار بردن جملات طولانی پرهیز شود تا خواننده به راحتی مطلب مورد نظر را دریابد. این دقیقاً اتفاقی است که در کتاب مورد بررسی مشاهده می‌شود. یعنی متن کتاب بسیار رسا و بی‌پیرایه است و جمله‌ها کوتاه، صریح و روشن‌اند؛ اما نه چنان کوتاه که دچار ایجاز یا کوتاه‌نویسی آسیب‌زننده باشد و نه جملات چنان بلند و طولانی که به اطناب ممل یا درازی خسته‌کننده مبتلا باشد.

متن کتاب به زبان معیار نوشته شده است و به خاطر نثر سلیس و روان به خواننده کمک می‌کند که با سهولت مباحث را دنبال کند؛ همه این عوامل باعث پیشگیری از ابهام در متن کتاب شده است. اصول سجاوندی و نگارشی نیز در کتاب با دقت رعایت شده است، ولی از غلط‌های املائی خالی نیست. برای مثال، به جای همزه قطع از همزه وصل استفاده شده است، مانند تمرین صفحه ۱۹: اَکْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ که صحیح آن اَکْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ است و در جای دیگر به جای همزه وصل، همزه قطع به کار رفته است؛ مانند تمرین صفحه ۲۰: وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ که صحیح آن وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ است.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که در مجموع مؤلف در بیان ایده‌ها و اندیشه‌های خود در کتاب موفق بوده است.

۷. نقد محتوای کتاب و میزان انسجام مطالب. نظریه پردازان شناختی به یادگیرندگان همچون پردازش‌کنندگان فعال اطلاعات می‌نگرند؛ کسانی که تجربه می‌کنند و برای حل مسائل به جست‌وجوی اطلاعات می‌پردازند، در ساختار ذهن آنچه برای حل مسائل جدید مناسب تشخیص می‌دهند به کار می‌گیرند و به جای اینکه به طور انفعالی تحت تأثیر محیط قرار گیرند فعالانه انتخاب، تمرین، توجه و یا از آن چشم‌پوشی می‌کنند (Anita, 1990: 230-228). از این رو، نویسنده باید بکوشد با دقت در انتخاب محتوای کتاب خود، دانشجویان را به عنوان یادگیرندگان قواعد زبان عربی، تشویق و جذب کند که اثر او را برای مطالعه برگزینند.

درواقع، محتوا عبارت است از: مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی که از سوی برنامه‌ریزان و به قصد تحقق اهداف، انتخاب و سازماندهی می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴: ۴۰) و بدین سبب ضروری است با اهداف تناسب داشته باشد. آنچه باعث می‌شود مخاطب با خواندن یک کتاب بتواند سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند، همان انسجام و پیوستگی مطالب کتاب با هم است. از جمله عواملی که می‌تواند تسلسل منطقی و سیر مطالب را به خطر بیندازد، شاخ و برگ دادن به یک موضوع و بازماندن از توضیح موضوعات دیگر به شکل کامل است. به همان اندازه که پرگویی می‌تواند متن کتاب را از انسجام و یکدستی دور کند، کوتاه و مختصر نویسی هم آسیب زننده است. کتابی که هر کدام از این دو مورد (پرگویی و کوتاه نویسی) در آن اتفاق افتاده باشد، خواننده را از دنبال کردن موضوع مورد بحث دلزده می‌کند و باز می‌دارد.

با توجه به مطالب هر درسی در اثر مورد پژوهش، مشاهده می‌شود که میان جملات و بندهای هر درس یک وحدت معنایی و یکپارچگی محتوایی وجود دارد. با نگاهی کلی‌تر و پس از مقایسه درس‌های کتاب، می‌توان ترتیبی را که مؤلف در چینش دروس پشت سرهم داشته، درک کرد. مؤلف چند تا از دروس را تحت عنوان یک فصل نام‌گذاری کرده است که با توجه به عناوین دروسی که در ذیل هر فصل آمده، گواهی است بر وجود انسجام و سیر منطقی مطالب.

در نگاهی دقیق‌تر به کتاب مورد نظر، برای بررسی انسجام مطالب، باید بخش‌های کتاب را با هم مقایسه کرد. کتاب به دو فصل اصلی صرف و نحو تقسیم شده است که پس از کلیات، مؤلف بخش اول را به صرف اختصاص داده و چون علم صرف عبارت است از شناخت نوع واژه بدون در نظر گرفتن نقش آن در جمله، پس می‌توان گفت که آوردن صرف قبل از نحو، انتخابی درست و بجا بوده و با توجه به اینکه کلمه در عربی به سه نوع (فعل، اسم و حرف) تقسیم می‌شود، مؤلف نیز در بخش، فعل را قبل از اسم و حرف توضیح داده است. بدین ترتیب، مؤلف ترجیح داده است پس از آشنایی خواننده با ریشه کلمات در عربی (صرف) به توضیح نحو یا همان شناخت عمل واژه‌ها در جمله و رابطه آن‌ها با هم بپردازد. اما کوتاهی که مؤلف در بخش نحو عربی داشته این است که تنها به توضیح اسم پرداخته و به فعل و حرف اشاره نکرده است. دلیل مؤلف در اشاره نداشتن به این دو در بخش نحو هرچه باشد، به هر حال باعث ناقص ماندن مطالب در این قسمت

گردیده است.

طبق آنچه که گفته شد در کتاب صرف و نحو عربی (ماهیار، ۱۳۷۳)، میان اجزاء خرد و جزئی، مثل مطالب درس‌ها یا مطالب یک فصل، انسجام قابل رؤیت است؛ اما اجزاء کلان یا همان سرفصل‌های اصلی فاقد وحدت کافی‌اند. در کل، فصل‌بندی مطالب منطقی و دقیق است، اما مطالب هر فصل را نمی‌توان استمرار منطقی فصول قبل دانست.

شاید مؤلف از اختصاص دادن قسمتی در فصل نحو به فعل و حرف اجتناب کرده تا میان حجم مطالب دو فصل کتاب تناسبی منطقی برقرار سازد؛ با وجود این، باز هم مطالبی را که تحت یک عنوان (اسم) در فصل نحو آورده به اندازه کل مطالبی است که در سه موضوع (اسم و فعل و حرف) در قسمت صرف آمده است و با این اوصاف فهرست مندرجات در فصل نحو به خوبی بیانگر دامنه و عمق مطالب نیست. مؤلف در استناد به منابعی که در کتابش از آن‌ها بهره برده، از شیوه پاورقی در حاشیه صفحه استفاده کرده که شیوه مرسوم در زمان چاپ کتاب بوده است.

۸. همخوانی با نظریه‌های یادگیری. با توجه به اینکه کتاب مورد نظر، در خصوص آموزش قواعد زبان عربی است، مسلماً تطبیق کتاب بر نظریه‌هایی است که در زمینه یادگیری زبان دوم وجود دارد، و می‌تواند به ارتقای کیفیت مطالب کتاب کمک کند. از جمله این روش‌ها، روش قواعد و ترجمه (GTM) است که مهم‌ترین بخش در زبان را قواعد یا گرامر و ترجمه می‌داند. یادگیری قواعد از کل به جزء است و مثلاً برای آموزش جمله مجهول به این روش، قاعده مجهول کردن جمله معلوم نوشته شده و مراحل آن بیان می‌شود؛ سپس با آوردن چند مثال، با جمله معلوم مقایسه می‌گردد و دانش آموز خود، روش را برداشت می‌کند.

از نکات مورد توجه در تألیف کتاب مورد پژوهش این که مؤلف توجه داشته است مخاطبش در زمان و مکان دیگری آن را خواهد خواند و طبیعی است که او هنگام مطالعه حضور ندارد؛ پس لازم است متن کتاب از گویایی و شفافیت لازم برخوردار بوده و دقیقاً همخوانی با نظریه‌های یادگیری نیز ناشی از همین موضوع باشد. از موارد مؤثر در یادگیری که به صورت پراکنده در نظریه‌های یادگیری زبان از سوی دانشمندان مختلف به آن اشاره شده، بحث تمرین و تکرار است که متأسفانه ماهیار (۱۳۷۳) در کتاب صرف و نحو عربی تا حد زیادی از پرداختن به آن غافل مانده است. او می‌توانست با ارائه یک درس‌نامه مختصر در پایان هر درس، خواننده را به یک دید کلی از قواعد درس مربوط برساند و یا حتی قبل

از هر درس با ذکر چند سؤال هدف از طرح درس مورد نظر را بیان نماید. تعداد مثال‌ها در هر مبحث نیز به فهم و درک مطالب و نقش بستن آن در ذهن مخاطب کمک بسیاری می‌کند و نیز در قسمت تمرین‌ها، بیشتر بودن تعداد سؤالات به دانشجو فرصت تکرار دوباره مباحث را در ذهن خود می‌دهد. متأسفانه مؤلف هیچ‌کدام از این موارد را رعایت نکرده و تنها به بیان سلسله‌وار و بدون ابهام مطالب با نثری ساده و روان توجه داشته است؛ بیان مطالب به این شیوه، تنها اقدامی است که مؤلف برای اطمینان یافتن از انتقال صحیح و دقیق مطالب کتاب انجام داده است.

در واقع، کتاب مجموعه‌ای از داده‌هاست و روند تند و شتابی که در بیان مطالب اخذ کرده، زمینه‌ای برای تأمل مخاطب و درنگ او برای اندیشیدن بیشتر به مباحث وارد شده را نمی‌دهد و طبیعتاً این عامل باعث کاهش اثر کتاب در پویایی ذهن و زبان مخاطب می‌گردد. مخاطب در بسیاری از موارد، ممکن است بدون نیاز به کمک نتواند مطالب کتاب را درک کند. در کل، شیوه نگارش این کتاب نمی‌تواند الگویی کارآمد برای موارد مشابه باشد.

۹. ماهیت تعاملی و توان‌انگیزی. یکی از مواردی که به بهبود نواقص موجود در کتاب و برطرف کردن آن‌ها کمک می‌کند، ارتباط مؤلف با خواننده است. امروزه با پیشرفت‌هایی که در فناوری حاصل شده است امکان برقراری این ارتباط از طریق سایت‌های علمی یا پست‌های الکترونیکی و صفحات شخصی در فضای مجازی وجود دارد. در کتاب مورد پژوهش تنها امکانی که مخاطب را به صاحب اثر متصل می‌کند، همان سازمان «سمت» است که بخشی از کتاب را به عنوان مقدمه مؤلف، به صحبت مؤلف با خوانندگان کتاب اختصاص می‌دهد. ماهیار (۱۳۷۳) در بخش پیشگفتار مؤلف، به انگیزه خود از نگارش کتاب اشاره کرده و مسیری را که برای تدوین این کتاب پیموده ترسیم نموده و ضرورت انتشار این اثر و امتیاز ویژه آن را برای دانشجویان کارشناسی ادبیات فارسی به خوبی بیان کرده است؛ ولی در هیچ جای متن، خواننده را مخاطب قرار نداده و یا بخش‌های مهم کتاب را برجسته نساخته است که اهمیت آن برای خواننده روشن شود. در مجموع، رویکرد کلی کتاب یک طرفه است و فضای تعاملی را لازم ندارد.

۱۰. ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری (نقش شکلی کتاب). وجود دو عامل ظاهر و محتوا در کنار هم است که یک کتاب را خواندنی می‌سازد. پس گذشته از محتوای کتب درسی دانشگاهی و معیارهای آن نباید از ویژگی‌های ظاهری آن نیز غافل شد. جلد کتاب

دروازه کتاب است که باید با دارا بودن طراحی و رنگ مناسب، در هر زمانی بتواند مخاطب را برای گشودن و مطالعه آن ترغیب کند. «جلد کتاب عامل شناسایی کتاب‌ها از یکدیگر است. روی جلد کتاب، عنوان، نام نویسنده مترجم یا ناشر درج می‌شود. معمولاً جلد کتاب‌های درسی از دو نوع شومیز یا گالینگور است که گالینگور برای کتاب‌های حجیم مناسب است» (نصر و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۳).

جلد کتاب صرف و نحو عربی (ماهیار، ۱۳۷۳) به دلیل حجم کم آن، از نوع شومیز است و روی آن عنوان کتاب و نام نویسنده و نام ناشر که جزء طراحی جلد است در پایین کتاب دیده می‌شود.

ویژگی‌ای که با اولین نگاه به جلد کتاب قابل مشاهده است، رنگ جلد است. «کتابی از نظر رنگ جلد مطلوب تلقی می‌شود که از سه رنگ و بیشتر استفاده شده باشد» (جمالی زواره و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹). رنگ زمینه جلد کتاب مورد پژوهش کاملاً آبی است و آرم انتشارات و نام مؤلف به رنگ سیاه در وسط جلد و فقط نام کتاب با رنگ سفید و حاشیه سیاه نوشته شده است. طبق تعریفی از جمالی زواره و همکارانش (۱۳۸۷) می‌توان کتاب پیش‌رو را به دلیل انتخاب سه رنگ در جلد، از نوع مطلوب به حساب آورد. اما گذشته از این، «رنگ‌ها تأثیرات فرهنگی دارند و غیر از این تأثیرات و تأثیرات ناشی از جنس و بافت رنگ و مجاورت آن‌ها با رنگ‌های دیگر، در مجموع و به طور تقریبی، رنگ‌ها دارای تأثیرات روان‌شناختی نیز هستند» (افشارمهاجر، ۱۳۹۲: ۱۹۰). رنگ آبی نشانه آرامش و سکون است. پوشش تمام زمینه جلد به وسیله رنگ آبی، انتخابی مناسب است، چرا که ذهن مخاطب را آرام می‌کند و برای شروع آموزش و یادگیری قواعد با ذهنی آرام و روحیه‌ای با ثبات، او را آماده می‌سازد.

حلقه مفقوده بسیاری از کتب دانشگاهی که با هدف آموزش قواعد زبان عربی نگاشته شده‌اند، تصویر است. «تصویر یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری - یاددهی است که از دیرباز در کتاب‌های درسی از آن استفاده شده است و کتب آموزشی درسی دانشگاهی نیز می‌توانند با استفاده از تصویر یادگیری مسائل را ملموس‌تر و عینی‌تر سازند» (نظری منظم و موسوی، ۱۳۹۵: ۲۶). متأسفانه تصویر در کتاب صرف و نحو عربی هیچ کاربردی نداشته و این یکی از انتقادهای وارد بر این کتاب است.

«صفحه آرایبی کتاب شبیه طراحی ساختمان است. گرافیک با مشورت و پیراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل - که همچون اتاقی است - چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد

فضای جدیدی شده است» (انوری و پشت‌دار، ۱۳۷۷: ۱۰).

با نگاهی دقیق بر صفحات کتاب و کیفیت آرایش آن‌ها، با توجه به مباحث وارد در هر بخش، درمی‌یابیم که پس از پایان مباحث هر بخش، بلافاصله و بدون حتی خالی گذاشتن یک برگ، بخش جدید تنها با فاصله بیشتری از بالای برگه (برخلاف صفحات دیگر) نگاشته شده است. در مورد عنوان درس نیز تنها اندازه فونت عنوان با قواعدی که ذیل آن‌ها آمده متفاوت است و کمی بزرگ‌تر نوشته شده و گرنه نوع فونت نیز یکسان است.

«کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) از عوامل جذابیت کتاب است. برای مثال، از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازه حروف و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آنکه توجه دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند موجب چشم‌نوازی صفحات می‌شود» (رضی، ۱۳۸۸: ۲۸). همه ویژگی‌هایی که آمد، مثل استفاده از حروف متفاوت با اندازه، فونت و رنگ متفاوت در کتاب صرف و نحو عربی رعایت شده است. برای مثال، عنوان‌ها با اندازه‌ای بزرگ‌تر و نیز پررنگ‌تر و به صورت Bold نگاشته شده‌اند. اشعار عربی با رسم‌الخطی غیر از مطالبی که به زبان فارسی در متن کتاب آمده، نوشته شده‌اند و برخی از جملات مهم قواعد به صورت ایتالیک حروف‌نگاری شده‌اند. همه این عوامل در مجموع باعث ارتقای کیفیت تایپ و به تبع آن ارتقای جذابیت کتاب هستند.

هر کتاب دارای جلدی است که هم کتاب را محفوظ نگه می‌دارد و هم محتوا و موضوع مطالب داخلی را معرفی می‌کند، و دارای عنوانی است که طراح با توجه به روحیه کلی کتاب و مخاطبان آن، قلم و فونت مناسب آن را انتخاب می‌نماید. علاوه بر عنوان، برای انتقال بهتر موضوع و نیز ایجاد جذابیت بیشتر اصولاً برای طراحی روی جلد از تصویر (طرح و عکس)، نقش، رنگ و غیره استفاده می‌شود. جلد و صحافی کتاب مورد پژوهش از استحکام و کیفیت لازم برخوردار است، ولی معیارهای زیبایی‌شناختی در طراحی جلد آن چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته است. فونت انتخابی برای عنوان و متن کتاب، خوانا و چشم‌نواز است و کیفیت کاغذ و چاپ کتاب با استانداردهای موجود مطابقت دارد. حجم کتاب اگرچه در بخش نحو از نظر محتوا، درج مطالبی در مورد اسم و حروف ضروری است، با نیاز اغلب مخاطبان که دانشجویان کارشناسی ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد، متناسب است. و طبق عادت مرسوم همه کتب آموزشی درسی برای سهولت در بازیابی مطالب نمایه موضوعی تدوین شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

کتاب درسی ویژگی‌های گوناگونی دارد و داوری درباره آن مستلزم ارزیابی همه‌جانبه است، و توفیق نسبی یک کتاب درسی نتیجه حاصل جمع امتیازهایی است که آن کتاب در زمینه‌های مختلف به دست می‌آورد. در تطبیق اصول ده‌گانه منصوریان (۱۳۹۲) بر کتاب عباس ماهیار (۱۳۷۳) نتایج زیر حاصل شد که مطابق تعداد این اصول در ده مورد بیان می‌گردد: ۱) در خصوص تخصص‌گرایی و هدفمندی، کتاب مورد پژوهش با اینکه در بیان هدف از تألیف، جای هیچ‌ارجاعی برای مخاطب باقی نگذاشته است، اما در عرضه محتوایی در زمینه قواعد زبان عربی یا همان صرف و نحو چندان موفق عمل نکرده و به جای اینکه مطالب را با زبان ساده بیان کند تنها از حجم آن کاسته است؛ ۲) توان نظری که همان نگارش براساس نظریه‌های یادگیری است، در این کتاب مورد نظر قرار نگرفته ولی از دلالت‌های کاربردی کما بیش استفاده شده است؛ مانند: تمرین‌هایی که از اشعار، آیات و احادیث انتخاب شده‌اند، هرچند حجم آن‌ها بسیار مختصر است؛ ۳) در خصوص توان استنادی و ماهیت میان‌رشته‌ای، نویسنده بسیار موفق عمل کرده است؛ در ابتدا با استناد به کتب بزرگان متخصص در صرف و نحو، به کتاب و مطالبش غنای بیشتری بخشیده است، به طوری که کتاب بتواند منبع مشترک میان رشته‌هایی چون الهیات، فقه و حقوق برای یادگیری قواعد عربی شود؛ ۴) از نظر جامعیت و روزآمدی متأسفانه کتاب معیارهای لازم را ندارد؛ ۵) علاوه بر اینکه کتاب مورد بحث به خوبی بیانگر صلاحیت علمی مؤلف است، کارنامه و آثار او در حوزه صرف و نحو نیز بر صلاحیت او صحنه می‌گذارد؛ ۶) پاکیزگی نگارشی و ادبی از دیگر نکات این اثر است که در کتاب رعایت شده است؛ ۷) طرز بیان مطالب مؤلف زمانی که به اجزاء و محتوای هر درس بدون نگاه به دروس دیگر نگریسته شود، به صورت منسجم و یکپارچه است؛ اما اگر بخواهیم مطالب را به صورت مرتبط به هم و کلی نگاه کنیم، می‌بینیم که در بعضی موارد، فاقد انسجام و وحدت لازم است؛ ۸) همخوانی با نظریه‌های یادگیری از شروط ده‌گانه منصوریان است که با توجه به گستردگی مباحث آن و تعدد نظریه‌هایی که در زمینه یادگیری و خصوصاً یادگیری زبان مطرح شده، این مورد را نمی‌توان بر کتاب مذکور تطبیق داد؛ چون این اصل بسیار کلی است و منصوریان هم، نظریه خاصی را مد نظر نداشته است. در واقع، اصل هشتم هرچند با اثر مورد پژوهش قابل تطبیق نیست، ولی نمی‌توان آن را نقطه ضعف اثر دانست؛ بلکه این نقد را می‌توان به منصوریان وارد کرد که اصل هشتم را تا این حد کلی بیان کرده است؛

۹) کتاب فاقد ماهیت تعاملی است و از هیچ شیوه‌ای برای برقراری ارتباط با مخاطب استفاده نکرده است تا بتواند علاقه خواننده را برای مطالعه دوباره کتاب برانگیزد؛ و ۱۰) اگرچه مؤلفه‌های زیادی در تعریف و ویژگی‌های فیزیکی و ظاهری کتاب مورد نظر تعریف شده است، ولی یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که این کتاب در این مورد موفق عمل کرده و کتابش را مطابق اصل مذکور در اختیار مخاطب قرار داده است. در یک جمع‌بندی کلی مشخص می‌شود که صرف و نحو عربی نیمی از اصول منصوریان (۱۳۹۲) را در کتابش رعایت کرده و نیمی از آن ده مورد را (البته نه به طور کامل) مورد غفلت قرار داده است. بازنگری دوباره کتاب مورد پژوهش از سوی سازمان «سمت» می‌تواند در رفع نواقص موجود در آن مؤثر باشد تا در چاپ جدید، مخاطب بتواند بیشترین بهره‌وری از آن را داشته باشد.

منابع

- ابن الرسول، سید محمد رضا و الهه صفیان (۱۳۹۶). «بررسی و نقد بخش صرف کتاب صرف و نحو عربی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۲۲-۱.
- اشکوری، سید عدنان (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی کتاب «مبایء العربیة» (۴): قسم الصرف»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۱۰۳-۱۱۸.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۹۲). عملکرد گرافیک در کتاب‌های درسی دانشگاهی، تهران: سمت.
- امام‌زاده، سید احمد (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی کتاب «مبایء العربیة»، جلد دوم، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۲۰، ص ۸۹-۱۰۱.
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷). آیین نگارش و ویرایش دوم، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- جمالی، زواره و همکاران (۱۳۸۷). «معیارهای ارزیابی کتاب‌های درسی دانشگاهی»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۷-۱۳.
- دهقانیان، جواد و صدیقه جمالی (۱۳۹۲). «بررسی و نقد ترجمه و شرح مبایء العربیة ۴ (قسمت نحو) شرح سید علی حسینی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۲۵، ص ۳۷-۵۶.
- رحمانی، اسحق و لیلا ایمانی‌فر (۱۳۹۷). «سنجش خوانایی کتاب متون و قواعد زبان عربی ۱ براساس تکنیک خوانایی کلوز»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۲، شماره ۴۳، ص ۱۴۲-۱۶۱.
- رضی، احمد (۱۳۸۵). شاخصه‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاه، تهران: سمت.
- رمضانی، احمد (۱۳۹۸). «ارزشیابی کتاب درسی و راهنمای معلم زبان آموزی و جمله‌سازی دانش‌آموزان ناشنوا/کم شنوا»، فصلنامه کودکان استثنایی، سال نوزدهم، شماره ۲، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- سجادی، سید ابوالفضل (۱۳۹۵). «بررسی و نقد کتاب «النحو العصری»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۶، شماره ۴۳، ص ۱۲۳-۱۳۵.

- علوی لنگرودی، سید کاظم (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای برنامه درسی رسمی و اجرا شده دروس کارورزی کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و ارائه چهارچوب پیشنهادی، رساله دکتری دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- کیانی، حسین (۱۳۹۱). «بررسی و نقد کتاب قواعد کاربردی زبان عربی»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۹۱-۱۰۴.
- ماهیار، عباس (۱۳۶۲). صرف و نحو برای دانشجو، تهران: مؤلفان.
- ماهیار، عباس (۱۳۷۳). صرف و نحو عربی، تهران: سمت.
- ماهیار، عباس (۱۳۹۶). صرف و نحو ۱ و ۲، تهران: سمت.
- محمودی، فیروز (۱۳۹۱). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر مسئله در دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی و اعتبارسنجی و امکان‌سنجی آن در آموزش عالی ایران، رساله دکتری، تهران: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی؛ راهنمای عمل، تهران: انتشارات پیام اندیشه.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۲). «صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثر بخش»، مجله پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، شماره ۲۹، ص ۱-۱۷.
- نصر، احمد رضا و همکاران (۱۳۸۵). بررسی میزان تحقق معیارهای تدوین کتاب‌های درسی در کتاب‌های دوره کارشناسی علوم تربیتی، کتاب درسی دانشگاهی (۱): ساختارها و ویژگی‌ها، تهران: سمت.
- نظری منظم، هادی و سید رضا موسوی (۱۳۹۵). «نقد و بررسی نقش آموزشی تصویر در کتاب‌های آموزش زبان عربی به غیر عرب‌زبان‌ها (بررسی موردی: کتاب تاریخ الأدب العربی، اثر حنا الفاخوری)»، پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، دوره ۲۰، شماره ۳۹، ص ۲۶-۴۴.
- نعمتی قزوینی، معصومه و سیده اکرم رخشنده‌نیا (۱۳۹۱). «نقد کتاب صرف ساده»، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۲، ص ۱۲۷-۱۳۷.
- همائی، رضا و مسعود مرتضوی (۱۳۷۹). تحلیل محتوای کتاب، فارسی دوم ابتدایی ویژه ناسنویان، تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.